Iranian Research Letter of International Politics
Vol. 11, No. 1, Autumn and Winter 2022-2023
Pages: 1-25
DOI:10.22067/irlip.2022.69383.1047

پژوهش‌نامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
سال ۱۱ ، شمارۀ ۱، شمارۀ پیاپی ۲۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صفحات: ۲۵-۱

نوع مقاله: پژوهشی

دیپلماسی نظامی و سیاست خارجی چین

حدیث آسمانی[1]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۴

چکیده

چین، یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی دنیا به‌شمار می‌آید که برنامه‌های راهبردی کلانی را در راستای رشد شاخص‌های گوناگون اقتصادی، ازجمله تنوع‌بخشی به صادرات، بهره‌مندی از فناوری‌های پیشرفته در تولید و همچنین، توسعۀ راه‌های تجاری در سراسر جهان دنبال می‌کند. در کنار پیشبرد طرح‌ها و ابتکارهای یادشده، یکی از دغدغه‌های اصلی این کشور در دهه‌های اخیر، تأمین امنیت و افزایش قدرت نظامی‌اش بوده است. نگهداری و پاسبانی از این دستاوردها در برابر افزایش خطر تروریسم، درگیری‌های سرزمینی با همسایگان، و همچنین تأمین امنیت مسیرهای تجاری و کریدورهای بین‌المللی، به‌ویژه مسیرهایی که در ابتکار بزرگ «یک کمربند، یک جاده» مشخص شده است، از مهم‌ترین دلایل بالا بردن بودجۀ نظامی، بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته، و تعریف نقش‌های جدید برای حضور در نقاط فراسرزمینی توسط چین به‌شمار می‌آیند؛ بااین‌حال، ازآنجاکه افزایش قدرت نظامی، به‌سبب افزایش نگرانی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همسایگان و رقبا، احتمال بروز «مشکل امنیتی» را افزایش می‌دهد، چین در راستای افزایش انواع همکاری‌ها نیز تلاش کرده است. این‌گونه فعالیت‌ها در قالب دیپلماسی نظامی، قابل‌بررسی هستند که مراد از آن، بررسی فعالیت‌های صلح‌آمیز و اغلب غیررزمی و غیرخشن توسط ارتش و نیروهای مسلح است. این مقاله برآن است که دیپلماسی نظامی چین و نقش آن در سیاست خارجی این کشور را بررسی و واکاوی کند. پرسش پژوهش این است که «درپیش گرفتن رویکرد دیپلماسی نظامی توسط چین، چه تأثیری بر سیاست خارجی این کشور داشته است؟» این مقاله با به‌کارگیری روش تبیینی، درصدد نشان دادن رابطۀ معنادار میان دیپلماسی نظامی و شاخص‌های سیاست خارجی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «درپیش گرفتن چنین رویکردی از طریق تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ازجمله شکل‌دهی به محیط امنیتی، گسترش جغرافیای عملیاتی، و افزایش نفوذ، سبب افزایش توانمندی چین در پیگیری منافع، افزایش قدرت، و نقش‌آفرینی این کشور در عرصۀ دگرگونی‌های بین‌المللی می‌شود».

واژگان کلیدی: دیپلماسی نظامی، سیاست خارجی، جمهوری خلق چین، توان نظامی

---

۱ دانش‌آموختۀ دکتری روابط بین‌الملل، دانشکدۀ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (hadithasemani@yahoo.com)

0000-0002-9211-0316

Military Diplomacy and Foreign Policy of China

Hadith Asemani[1]

Abstract

China, as an economic power, pursues major strategic plans such as diversification of exports, the high-tech manufacturing, and developing trade routes around the world. Also, China recently has heavily invested in security and military strength to deal with terrorism, separatist movements, territorial disputes with East Asian neighbors, as well as securing trade routes and international corridors, especially those identified in the massive One Belt-One Road initiative. However, China seeks different kinds of international cooperation through milirary diplomacy to avoid a possible security dilemma. This research investigates the impact of China's military diplomacy on its foreign policy? This article seeks to examine China's military diplomacy and its role in the country's foreign policy. Findings show that military diplomacy will increase the country's ability to pursue national interest, develop its security environment, create a positive image, and expand operational geography.

Keywords: military diplomacy, foreign policy, People's Republic of China, military capability

۱ PhD in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran 0000-0002-9211-0316

مقدمه

قدرت نظامی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای قدرت ملی، نقشی حیاتی در پیگیری سیاست‌های موردنظر دولت‌ها دارد. قدرت نظامی، به‌دلیل ظرفیت‌های بسیاری که برای سیاست خارجی ایجاد می‌کند، به بخش جدایی‌ناپذیری از دیپلماسی تبدیل شده است. با تغییر در سازوکار متعارف ارتش از نیمهٔ دوم قرن بیستم (هم‌زمان با روند پایان جنگ‌های جهانی، جنگ سرد، و فروپاشی شوروی)، امروزه نظامیان، اقدامات غیرنظامی و دیپلماتیک زیادی توسط نظامیان انجام می‌شود که بیشتر آن‌ها به‌سود تصویر دولت در محیط بین‌المللی بوده است. این مسئله، به‌ویژه در توجیه حضور نیروهای نظامی در کشورهای دیگر و افزایش بودجهٔ نظامی، اهمیت دارد. جمهوری خلق چین، یکی از کشورهای قدرتمند و روبه‌رشد، به‌ویژه در حوزهٔ اقتصادی است که در سال‌های اخیر، بخش چشمگیری از منابع خود را به‌سوی افزایش قدرت نظامی سوق داده است. دلایل پرشماری برای این کار قابل‌طرح است که به‌عنوان نمونه می‌توان به حفاظت از تجارت و شبکه‌های ارتباطی حمل‌ونقل گسترده‌ای اشاره کرد که در قالب طرح «یک کمربند، یک جاده» درحال ایجاد و گسترش آن است. بااین‌حال، مسیر دستیابی به چنین هدفی، هموار نبوده و چین به‌خوبی از این موضوع آگاه است. افزایش توان نظامی چین، که نه‌تنها برای حفظ منافع اقتصادی، بلکه به‌منظور افزایش نفوذ در منطقهٔ شرق آسیا انجام می‌شود، زنگ خطر را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌صدا درآورده است. به‌همین‌منظور، چین برای رفع بدگمانی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها، به‌ویژه در دههٔ نخست قرن بیست‌ویکم، استفاده از دیپلماسی نظامی را سرلوحهٔ اقدامات خویش قرار داد و کماکان در این چارچوب عمل می‌کند؛ هرچند در سال‌های اخیر، با افزایش قدرت این کشور و تثبیت جایگاه آن به‌عنوان یک قدرت بین‌المللی، فاصلهٔ خود را با برخی سیاست‌ها، به‌ویژه در برابر امریکا، نمایان کرده است و تنش‌های سرزمینی با برخی همسایگان، به‌ویژه در حوزهٔ دریای چین جنوبی را به‌گونه‌ای آشکارتر دنبال می‌کند، و در کنار آن، بر حرکت در چارچوب قواعد بین‌المللی موردتأیید سازمان ملل و شورای امنیت و تحقق اهداف و خواسته‌های خویش از طریق همکاری و چندجانبه‌گرایی در چارچوب راهبرد کلان مسالمت‌آمیز تأکید دارد.

دیپلماسی نظامی به‌گونه‌ای ساده و مختصر، به همکاری‌ها و مراودات دوستانهٔ نظامی مربوط می‌شود، و در تعریفی دقیق‌تر، شیوهٔ صلح‌آمیز ارائهٔ توان نظامی به‌منظور دستیابی به مقاصد، پرهیز از خشونت، و افزایش بازدارندگی است که به ابزار رسیدن به اهداف سیاست خارجی، به‌ویژه نزد قدرت‌های بزرگ، تبدیل شده است. این مقاله برآن است تا اقدامات دو دههٔ اخیر چین در حوزهٔ نظامی، به‌ویژه استفاده از

راهبرد دیپلماسی نظامی به‌منظور دستیابی به اهداف تعریف‌شده در سیاست‌های کلان این کشور، ازجمله سیاست خارجی را بررسی و واکاوی کند». پژوهش پیش‌رو، با استناد به متون لاتین، شاخص‌سازی متغیرها، و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، در چارچوب روش تبیینی تدوین شده است. گردآوری داده‌ها در قالب بررسی مقاله‌های علمی، نشریه‌ها، اسناد، و گزارش‌های نظامی، و نیز تحلیل آمار و ارقام پایگاه‌های داده‌ای مؤسسهٔ صلح بین‌المللی استکهلم (سیپری)[۱] و سایت رتبه‌بندی قدرت‌های نظامی جهان (گلوبال فایرپاور)[۲]، ازجمله تلاش‌های انجام‌شده در این مقاله است.

۱. پیشینۀ پژوهش

مرور آثار و پژوهش‌های نگاشته‌شده دربارۀ مباحثی که قرار است بازبینی شوند، راهنمای مناسبی برای پژوهشگران است تا افزون‌بر بالا بردن سطح آگاهی و به‌کارگیری آن‌ها، مسائل و روزنه‌های نادیده‌انگاشته‌شده را برای بررسی در پژوهش‌های بعدی شناسایی کنند و درضمن، نقاط قوت و متمایزکنندۀ آثار جدید در مقایسه با متون موجود، ارزیابی و برجسته می‌شوند.

کنت آلن، *فیلیپ سوندرز*، و *جان چن* (۲۰۱۷)، در گزارشی با عنوان «دیپلماسی نظامی چین، ۲۰۱۶-۲۰۰۳»[۳] تأکید کرده‌اند که چین، برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی و شکل دادن به محیط امنیتی خویش، تأکید زیادی بر دیپلماسی نظامی دارد. به‌نظر این نویسندگان، دیپلماسی نظامی، بخشی از سیاست گسترده‌تر چین است و این کشور برای ایجاد یک تصویر بین‌المللی مطلوب، توسعۀ قدرت نرم، و شکل دادن به گفتمان بین‌المللی، از آن استفاده می‌کند.

استیون اسمیت (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «تفوق بر دوستان و تأثیرگذاری بر مردم با استفاده از اسلحه: درک رشد دیپلماسی نظامی چین»[۴] در پی درک عواملی است که در افزایش چشمگیر فعالیت دیپلماسی نظامی چین در طول سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ مؤثر بوده‌اند. وی دراین‌زمینه بر دو عامل مهم، حفاظت از منافع اقتصادی بین‌المللی درحال‌رشد و ترویج تصویر مثبت در بین مخاطبان داخلی و بین‌المللی

---

۱. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

۲. Global Firepower: World Military Strength Rankings

۳. Chinese Military Diplomacy, 2003–2016: Trends and Implications

۴. Winning Friends and Influencing People with Guns: Understanding the Growth of China’s Military Diplomacy

تمرکز می‌کند.

هالوک کاراداگ (۲۰۱۷) در مقالهٔ «ارائهٔ خیر عمومی: اهمیت دیپلماسی عمومی در امور نظامی»[1]، نقش ابزارهای نظامی در دیپلماسی عمومی را بررسی کرده است. وی با ارائهٔ مثال‌هایی از شرکت نیروهای مسلح در عملیات امدادرسانی، کارهای عمرانی، و برنامه‌های آموزش نظامی بین‌المللی، نقش آن‌ها را در عرصهٔ قدرت نرم و دیپلماسی عمومی واکاوی می‌کند. در نگاهی کلی به پژوهش‌های موجود، پرداختن به تعریف و اهداف دیپلماسی نظامی چین در کنار برشمردن مؤلفه‌های مختلف آن، روند متداولی در معرفی و بررسی دیپلماسی نظامی، به‌ویژه دیپلماسی نظامی چین است و در برخی آثار نیز تأثیر آن بر سیاست خارجی بررسی شده است؛ اما نقطهٔ تمایز مقالهٔ حاضر با ادبیات موجود، نخست، برقراری پیوند نظری میان دیپلماسی نظامی و قدرت هوشمند است که تقریباً در هیچ‌یک از آثار یافت نشد، و نکتهٔ برجستهٔ دیگر، شاخص‌سازی موردی تأثیر دیپلماسی نظامی بر مؤلفه‌های سیاست خارجی به‌منظور ارزیابی راحت‌تر، عینی‌تر، و مشخص‌تر این موضوع است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

در دنیای پیچیده و متعامل امروز که پیوسته، در معرض تهدیدهای سنتی و غیرسنتی است، قدرت نظامی، همچنان جزء نخستین و مطمئن‌ترین گزینه‌ها برای جلوگیری از این تهدیدها به‌شمار می‌آید. تجربه‌های عینی در عرصهٔ دیپلماسی و میدان، تصمیم‌گیرندگان و سیاستمداران را به این باور رسانده است که رفع چالش‌های خطرآفرینی که صلح و امنیت کشورها را نشانه رفته‌اند، نیازمند یک تغییر رویکرد هوشمندانه در استفاده از مجموعه عوامل قدرت‌زا، چه در بحث منابع (نظامی، سیاسی، اقتصادی، و...) و چه در بحث نوع (سخت و نرم) قدرت است. توان ترکیبی قدرت هوشمند از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست جهان به‌شمار می‌آید. این توان ترکیبی در نتیجهٔ آمیختگی قدرت نرم و قدرت سخت به‌دست می‌آید (Ghorbani Sheikhneshin, Karami, & Abbaszadeh, 2011: 138). قدرت هوشمند، توانایی یک بازیگر برای ترکیب عناصر سخت و نرم قدرت به‌گونه‌ای است که به‌گونه‌ای متقابل، درحال تقویت یکدیگر باشند؛ تاجایی‌که اهداف بازیگران، به‌گونه‌ای مؤثر و کارآمد دنبال شود (Wilson, 2008: 115).

نای و آرمیتاژ، در گزارشی با عنوان «یک امریکای هوشمندتر و امن‌تر»، قدرت هوشمند را توانایی

---

[1] Forcing the Common Good: The Significance of Public Diplomacy in Military Affairs

ماهرانه در ترکیب قدرت سخت و نرم برای گسترش راهبردهای یکپارچه نامیده‌اند. راهبرد یکپارچه‌ای [که با بهره‌گیری از] پایگاه منابع و مجموعه ابزارهای موجود در راستای دستیابی به اهدافی توسعه می‌یابند که هم قدرت نرم و هم قدرت سخت را دربر می‌گیرد (Nye & Armitage: 2007: 7). این رویکرد، نه‌تنها ضرورت به‌کارگیری قدرت نظامی قوی و زور را برجسته می‌کند، بلکه به‌شدت بر روی اتحادها، مشارکت، و نهادها در همۀ سطوح، سرمایه‌گذاری می‌کند تا نفوذ و مشروعیت را گسترش دهد (Pallaver, 2011: 13). قدرت هوشمند، بستری امتزاجی برای ترکیب عناصر گوناگون است که فضای مساعدی را برای خلق مفاهیم و کارکردهای جدید که بنیاد نظری خود را از آن وام می‌گیرند، فراهم کرده است. دیپلماسی نظامی، ازجمله این مفاهیم است که در آن توجه به هردو وجه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت، کاملاً مشهود است. دیپلماسی نظامی، عبارت از به‌کارگیری مسالمت‌آمیز قدرت نظامی است که اغلب، بدون توسل به خشونت، برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی و مقاصد صلح‌آمیز انجام می‌شود.

از دیدگاه چین، دیپلماسی نظامی، تعریف گسترده‌تری دارد و فعالیت‌های متنوعی را دربر می‌گیرد. کتاب «۲۰۰۷» که توسط بخش فناوری و پژوهش‌های راهبردی دانشگاه دفاع ملی ارتش چین نگاشته شده است، دیپلماسی نظامی را به‌عنوان «فعالیت‌های دیپلماتیکی که به‌وسیله کشورها در حیطۀ امور نظامی انجام می‌شوند و در خدمت دفاع ملی و راهبرد نظامی هستند» تعریف کرده است. در ویرایش ۲۰۱۱ «مجموعه اصطلاحات ارتش چین»[1]، نیز دیپلماسی نظامی، به‌صورت روابط خارجی مرتبط با ارتش و امور مربوط به آن، بین گروهی از کشورها، ازجمله تبادل کارکنان نظامی، مذاکرات نظامی، مذاکرات کنترل تسلیحات، کمک‌های نظامی، همکاری‌های اطلاعاتی نظامی، همکاری‌های فناورانۀ نظامی، حفظ صلح بین‌المللی، فعالیت‌های اتحاد نظامی، و... تعریف شده است» (Allen, Saunders, & Chen, 2017: 8).

۳. اهداف دیپلماسی نظامی چین

کشورهای گوناگون، ازجمله چین، دیپلماسی نظامی را برای تحقق اهداف مشخصی به‌کار می‌برند. این اهداف می‌توانند به‌گونه‌ای جداگانه یا در ارتباط با آثاری باشند که به‌ویژه در حوزۀ سیاست خارجی تولید می‌شوند. نظامیان، دیپلماسی نظامی را با برنامه‌ریزی و در راستای اهداف معینی به‌کار می‌برند. با بررسی مقاله‌ها و اقدامات میدانی، تقریباً می‌توان الگوی ثابتی را برای تمام آن‌ها در بخش‌های گوناگون جهان

---

[1] PLA Military Terminology

استخراج کرد. گفتنی است، ممکن است بـا توجـه بـه سیاسـت‌های کـلان راهبـردی و امنیتـی، جایگـاه، و همچنین موقعیت جغرافیایی هر کشور، تفاوت‌هایی در این اهـداف وجـود داشـته باشـد. مهم‌تـرین اهـداف دیپلماسی نظامی چین عبارتند از: حمایت دیپلماسـی عمـومی، تکنیک‌هـا و رویـه‌های جدیـد، مدرن‌سـازی نظامی، و فرستادن پیام به مخاطبان بین‌المللی که در ادامه بررسی شده‌اند.

• **حمایت از دیپلماسی عمومی چین**: دیپلماسی عمومی برای ترویج سیاست خارجی هر کشـور، عنصری ضروری به‌شمار می‌آید و برقراری ارتباط و تعامل با مخاطبان داخلی و خارجی ـچه دولت‌ها و چه مردمـ هدف اصلی آن است (Krasnyak, E-international Relations, 2019). ازآنجاکه نیروی نظـامی و دیپلماسی عمومی در قرن حاضر در تضاد با یکدیگر عمل نمی‌کنند و درواقع، به‌عنوان دو مجموعۀ ابـزاری در خدمت اهداف سیاسی، یکدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند، دیگر مرزی میان این ابزارهـا در سیاسـت وجود ندارد و می‌توان از ترکیب آن‌ها سخن گفت. قدرت نظـامی در سیاسـت جهـانی در درجـه نخسـت، بـرای حمایـت از قـدرت سیاسـی و نیـز ایجـاد زمینـۀ قـدرت دیپلماسـی عمـومی درنظـر گرفتـه می‌شـود (Podberozkin, 2016: 23). دیپلماسی نظامی، از تلاش‌های گستردۀ چین در تعامل با کشورهای کلیدی و ارائۀ خیر عمومی برای تقویت تصویر چین حمایت می‌کند. نوشته‌های چینی، به‌شدت بر اطاعت ارتش این کشور از حزب کمونیست چین (CCP) و گسترش دیدگاه استفاده از دیپلماسی نظامی به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهـداف بزرگ‌تـر سیاسـت خـارجی حـزب، تأکیـد می‌کننـد. گفت‌وگوهـای راهبـردی و تبـادلات کارکردی، اغلب برای ارائۀ دیدگاه‌های راهبردی به‌کار می‌روند. عملیات امنیتی غیرسنتی، خیر عمـومی‌ای را فراهم می‌کنند که سبب افزایش اعتبار بین‌المللی چین می‌شود و بیشتر رزمایش‌های نظـامی نیـز بـه‌عنوان نمونه‌هایی از همکاری‌های بین‌المللی ارائه می‌شوند (Allen et al., 2017: 10).

• **گردآوری اطلاعات:** یکی از مهم‌ترین اهداف چین، از فرستادن ناظر گرفته تا شرکت مستقیم در برنامـۀ تمرین‌هـا و رزمایش‌هـای بین‌المللـی، گـردآوری اطلاعـات و ارزیـابی توانـایی رزمـی و غیررزمـی کشورهای دیگر، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ است. حضور از نزدیک و تلاش‌های مشترک در کنـار آن‌هـا، این فرصت را دراختیار چین قرار می‌دهد. افزون‌بـر ایـن رزمایش‌هـا، چـین از اعـزام دانشـجویان نظـامی یـا پذیرش تکنیسین‌ها و مشاوران در کشور خود ـبه‌ویژه در سال‌های نخست توسعۀ نظامی چینـ بهرۀ فراوانـی برده است. جاست و استرانگ، با بررسی سخنان مقامات چینی، دو وظیفۀ تخصصی را در رابطه با جنبه‌های یادگیری [و گردآوری اطلاعات] دیپلماسـی نظـامی اسـتخراج کرده‌انـد؛ نخسـت اینکـه دیپلماسـی نظـامی می‌تواند به‌عنوان مسیری برای تسهیل دستیابی به اطلاعات فنی دربارۀ فناوری‌های نظامی فعالیت کنـد؛ دوم

اینکه، دیپلماسی نظامی را می‌توان برای گسترش ظرفیت‌های اطلاعاتی در برابر رقبای آینده، به‌کار برد؛ به‌عنوان مثال، برخی تحلیلگران سیاست یادآور می‌شوند که امریکای لاتین، به‌دلیل نزدیکی به ایالات متحده، مکان مناسبی برای سنجش ازراه‌دور پایگاه‌های نظارتی است و از این قابلیت برخوردار است که از طریق آن، بر فعالیت‌های دفاعی ایالات متحده امریکا در منطقه، نظارت شود. چین، ایستگاه‌هایی را در شیلی و آرژانتین بنیان گذاشته است و همچنین، در بین کشورهای امریکای لاتین، با برزیل و ونزوئلا، همکاری‌های گسترده‌ای دارد (Jost & Strange, 2017: 21-22).

• **مدرن‌سازی نظامی:** یکی از اهداف بسیار مهم دیپلماسی نظامی چین، دستیابی به فناوری‌ها، تسلیحات، و دانش به‌روز نظامی، به‌منظور نوسازی و مدرن کردن ارتش است. اهمیت این موضوع تاحدی است که بارها در اسناد دفاعی چین از آن یاد شده است؛ برای مثال، دولت چین، یکی از اهداف رسمی دیپلماسی نظامی در کتاب‌های سفید دوسالانهٔ خود را، نوسازی دفاع ملی و نیروهای مسلح عنوان می‌کند (Jost & Strange, 2017: 20)، یا در «کتاب سفید ۱۹۹۸» آمده است: «تماس‌های خارجی نظامی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم دیپلماسی همه‌جانبهٔ چین، در خدمت مدرنیزه کردن دفاع ملی و نیروهای مسلح است». در کتاب سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ نیز بر رابطهٔ بین نوسازی و دیپلماسی نظامی تأکید شده است (Smith, 2016: 73). همچنین، نوسازی، یکی از درون‌مایه‌های اصلی همهٔ اسناد و کتاب‌های دفاعی بعدی است.

• **فرستادن پیام برای مخاطبان بین‌المللی:** بهره‌گیری ارتش از دیپلماسی نظامی، معمولاً به‌منظور فرستادن پیام‌های مشخصی برای مخاطبان بین‌المللی انجام می‌شود. مانند مخاطبان بین‌المللیِ اقدامات ارتش که طیفی از دوستان، متحدان، شرکا، رقبا، و دشمنان آن را دربر می‌گیرد، این پیام‌ها نیز ممکن است به فراخور مخاطب، طیفی از پیام‌ها ازجمله «اطمینان‌بخشی»[1] یا «بازدارندگی»[2] را به‌همراه داشته باشد (بنگرید به: Gibson, 2018)؛ برای مثال، چین با برگزاری رزمایش‌های مشترک همراه با متحدان خود، به‌طور هم‌زمان، چندین پیام را می‌فرستد؛ پیام ایجاد اطمینان برای متحدان و دوستان و معرفی خود به‌عنوان شریکی متعهد و قابل‌اعتماد و هم‌زمان، فرستادن پیام‌های بازدارندگی برای رقبای احتمالی.

٤. بررسی بودجه و اسناد نظامی ارتش چین

---

۱. Reassurance
۲. Deterrence

مهم‌ترین بخش‌های موردتأکید در ارتش هر کشور، به‌ویژه کشور چین، در کنار توجه به بودجهٔ دفاعی و تجهیز به تسلیحات پیشرفته، تدوین راهبردهای کلان دفاعی و امنیتی در راستای مشخص کردن مسیر پیش‌رِو است که در این بخش تلاش کرده‌ایم، موارد مهمی از آن‌ها را بررسی کنیم. مرور کوتاهی بر ساختار نظامی چین، که نام کامل آن ارتش آزادی‌بخش خلق است، نشان می‌دهد که این ارتش، به‌طورکلی از ۵ بخش نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی، نیروی موشکی، و نیروی پشتیبانی راهبردی تشکیل شده است. برپایهٔ گزارش آژانس اطلاعات دفاعی امریکا، تعداد کارکنان ثابت بخش نظامی این کشور، حدود ۲ میلیون نفر است (Defense Intelligence Agency, 2019: 7).

• **راهبرد نظامی چین:** نگاه به دکترین دفاع ملی چین در دوره‌های گوناگون زمانی، نشان‌دهندهٔ تأکید صریح و پیوسته بر استفادهٔ صلح‌آمیز از ارتش و قابلیت‌های دفاعی این کشور است. دولت چین، اهداف رسمی دیپلماسی نظامی را در کتاب‌های سفید دوسالانهٔ خود تعریف می‌کند که این اهداف عبارتند از: ۱) نوسازی دفاع ملی و نیروهای مسلح؛ ۲) ارتقای درک و اعتماد متقابل؛ ۳) معرفی ارتش چین به‌عنوان یک نیروی صلح‌آمیز (Jost & Strange, 2017: 20). در مادهٔ ۶۵ قانون دفاع ملی جمهوری خلق چین، مصوب مارس ۱۹۹۷، دربارهٔ روابط نظامی خارجی تصریح شده است: «جمهوری خلق چین، به پنج اصل احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی پایبند است: عدم تجاوز متقابل، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و منافع متقابل، و همزیستی مسالمت‌آمیز و روابط نظامی خود با کشورهای دیگر را به‌گونه‌ای مستقل اداره می‌کند و تبادلات و همکاری‌های نظامی را انجام می‌دهد» (Matsuda, 2006: 1). دراین‌راستا، مرکز دفاع ملی چین در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد: «چین به‌گونه‌ای پیوسته یک سیاست خارجی مستقل صلح‌آمیز را دنبال می‌کند و براساس پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز با همهٔ کشورها، همکاری دوستانه را ترویج می‌کند... و ایجاد سازوکارهای امنیت جمعی عادلانه و مؤثر و سازوکارهای اعتمادسازی نظامی را گسترش می‌دهد. چین به مفاهیم صراحت، عمل‌گرایی، و همکاری پایبند است، مشارکت خود را در همکاری‌های بین‌المللی امنیتی گسترش می‌دهد، هماهنگی و مشاورهٔ راهبردی با قدرت‌های بزرگ و کشورهای همسایه را تقویت می‌کند، تبادلات و همکاری‌های نظامی با کشورهای درحال‌توسعه را قوت می‌بخشد، و در عملیات حفظ صلح سازمان ملل، اسکورت دریایی، همکاری‌های بین‌المللی ضدتروریسم و عملیات امدادرسانی در برابر فاجعه شرکت می‌کند». این مقاله‌ها همچنین سعی می‌کنند تا نگرانی‌ها در

مورد اهداف راهبردی چین را کم‌اهمیت جلوه دهند؛ برای مثال، کتاب سفید[۱] دفاعی در سال ۱۹۹۸ اعلام کرد: «چین، نه در پی هژمونی است و نه به‌دنبال ایجاد بلوک‌های نظامی یا گسترش نظامی. چین، هیچ گروه نظامی‌ای را مستقر نمی‌کند، یا هیچ پایگاه نظامی‌ای در هیچ‌یک از کشورهای خارجی تأسیس نمی‌کند». تمام کتاب‌های بعدی تا نسخهٔ سال ۲۰۱۲ نیز تضمین‌های مشابهی را مطرح کرده‌اند (Smith, 2016: 72).

این سیاست‌ها، بار دیگر در راهبرد نظامی سال ۲۰۱۵ تکرار شده است؛ به‌گونه‌ای که بیان می‌کند: «بی‌تردید، چین مسیر توسعهٔ صلح‌آمیز و سیاست خارجی مستقل صلح‌طلبانه و سیاست دفاع ملی دارای ماهیت تدافعی را دنبال خواهد کرد، با هژمونی و سیاست قدرت در همهٔ گونه‌های آن، مخالف است و هرگز در پی سلطه و توسعه‌طلبی نخواهد بود» (China’s Military Strategy, 2015: 3). کتاب دفاعی سال ۲۰۱۹ چین با عنوان «دفاع ملی چین در عصر جدید»، دربردارندهٔ نکته‌های جالب‌توجهی دربارهٔ چشم‌انداز بازآرایی قدرت‌های بین‌المللی، محیط رقابت‌آمیز بین‌المللی، رشد سلطه‌طلبی، و سیاست‌های یکجانبه‌گرایانهٔ امریکا است که به‌نظر کوردزمن (۲۰۱۹) این سند، پاسخی به نسخه‌های اسناد دفاعی و امنیتی امریکا است که چین را مخاطب اصلیِ تقویت نیروهای ایالات متحده و اصلی‌ترین رقیب راهبردی امریکا می‌داند. همچنین، اقدامات چین که در این اسناد تهدید توصیف شده است را عادلانه و مسالمت‌آمیز نشان می‌دهد (Cordesman, 2019: 3). از دیدگاه چین، آرایش قدرت با سرعت زیادی درحال نظم‌یابی دوباره است و این وضعیت، سبب موازنه و تعادل بیشتر در قدرت می‌شود؛ درعین‌حال، عواملی همچون سلطه‌طلبی و یکجانبه‌گرایی، سبب تضعیف نظم و نظام امنیتی بین‌المللی می‌شوند. «با سرعت گرفتن بازآرایی قدرت‌های بین‌المللی و رشد بازارهای نوظهور و کشورهای درحال‌توسعه، پیکربندی قدرت راهبردی، متوازن‌تر می‌شود...؛ بااین‌حال، نظم و نظام امنیتی بین‌المللی، توسط هژمونی، سیاست قدرت، یکجانبه‌گرایی، و جنگ‌های پیاپی منطقه‌ای تضعیف می‌شوند. رقابت راهبردی بین‌المللی درحال‌افزایش است. ایالات متحده راهبردهای امنیت و دفاع ملی خود را تنظیم کرده و سیاست‌های یکجانبه‌ای را درپیش گرفته است. این امر سبب تحریک و شدت گرفتن رقابت در میان کشورهای بزرگ شده، هزینه‌های دفاعی را به میزان چشمگیری افزایش داده، در پی افزایش ظرفیت‌های هسته‌ای، فضایی، دفاع سایبری، و موشکی بوده و ثبات راهبردی جهانی را تضعیف کرده است» (China’s National

۱. White paper

Defense in the New Era, 2019).

همچنین، برای نخستین‌بار، کتاب سفید ۲۰۱۲، بخش کاملی را به نیاز چین برای حمایت از منافع خارجی‌اش اختصاص داده است: «با ادغام تدریجی اقتصاد چین در نظام اقتصاد جهانی، منافع خارجی کشور، به جزء جدایی‌ناپذیر منافع ملی چین تبدیل شده است. مسائل امنیتی، روزبه‌روز برجسته‌تر می‌شوند؛ این مسائل، دربردارندهٔ انرژی و منابع در خارج از کشور، خطوط ارتباطی دریایی راهبردی (SLOC) و اتباع چینی و اشخاص حقوقی در خارج از کشور است. محافظت از کشتی‌ها در دریا، حمایت از اتباع چینی در خارج از کشور، و عملیات نجات اضطراری، به روش‌ها و ابزارهای مهمی برای حفاظت از منافع ملی و انجام تعهدات بین‌المللی تبدیل شده‌اند». شناسایی منافع خارجی پکن، به‌عنوان یک مؤلفهٔ جدایی‌ناپذیر از منافع ملی، نیاز ارتش چین به آماده‌سازی و کسب توانایی برای انجام عملیات بین‌المللی ازراه‌دور را افزایش می‌دهد (Smith, 2016: 75).

• **بودجهٔ نظامی:** رویکرد چین برای تأمین بودجهٔ الزامات امنیتی، سنجیده و قابل‌توجه بوده است. هزینه‌های نظامی چین از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ به‌طور متوسط، ۱۰ درصد در سال افزایش یافته و سپس، به‌تدریج از سرعت آن کاسته شده و در طول ۲ سال گذشته، ۵ تا ۷ درصد، رشد داشته است (Defense Intelligence Agency, 2019: 20). برپایهٔ آمار مرکز پژوهش‌های صلح استکهلم (سیپری)، در سال ۲۰۱۸، چین با اختصاص ۲۵۰ میلیارد دلار برای بودجهٔ دفاعی خود، پس از امریکا، در جایگاه دوم دنیا قرار گرفت. این رقم، افزایش ۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۷ و رشد ۸۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۰۹ را نشان می‌دهد (SIPRI, 2019: 6). همچنین، در سال ۲۰۱۹، این رقم به ۲۶۱ میلیارد دلار رسید که ۵/۱ درصد نسبت به سال پیش‌ازآن رشد داشت، و ۸۵ درصد، بیشتر از سال ۲۰۱۰ بود (SIPRI, 2020: 10). نکتهٔ مهم این است که این میزان افزایش در سال‌های اخیر، به‌ویژه از آغاز قرن بیست‌ویکم، با افزایش فعالیت‌های دیپلماسی نظامی، اتخاذ رویکردهای جدید امنیتی و نظامی، و ایجاد اصلاحات و مدرن‌سازی ارتش هم‌زمان بوده است. درحال‌حاضر، برپایهٔ آمار سایت «گلوبال فایرپاور»، چین به‌لحاظ شاخص قدرت نظامی، پس از امریکا و روسیه در جایگاه سوم جهان قرار دارد (Global firepower, 2021) که حاکی از رشد همه‌جانبهٔ نیروی نظامی چین چه به‌لحاظ کمیت و چه به‌لحاظ کیفیت است.

۵. مؤلفه‌های دیپلماسی نظامی چین

پژوهشگران، مؤلفه‌های پرشماری را برای دیپلماسی نظامی چین برشمرده‌اند. دراین‌میان، کنت آلن و

هیدی هولز، در کتاب خود با عنوان «ارتش چین در خانه و خارج از کشور: ارزیابی توانایی‌های عملیاتی ارتش چین»، دسته‌بندی کامل‌تر و جامع‌تری ارائه کرده و دست‌کم یازده مؤلفه را برای دیپلماسی نظامی چین برشمرده‌اند که عبارتند از: گفت‌وگوی امنیتی راهبردی، تبادل دفاتر وابسته‌های نظامی، تأسیس و بهره‌برداری از دفتر اطلاعات و سخنگوی وزارت دفاع ملی[1](MND)، بده‌بستان‌های نظامی سطح بالا، بده‌بستان‌های نظامی کارکردی و آموزشی، پورت‌کال‌های نیروی دریایی ارتش چین (PLAN)، رزمایش‌ها و تمرین‌های ترکیبی با نظامیان خارجی، گشودن رزمایش‌ها و واحدهای ارتش چین به‌روی ناظران خارجی، عملیات حفظ صلح سازمان ملل، عملیات ضددزدی دریایی، و عملیات بشردوستانه. دفتر اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین، هریک از این فعالیت‌ها را به‌ترتیب تاریخ ثبت، در کتاب‌های سفید دفاعی دوسالانه به‌صورت برخط منتشر می‌کند. این کتاب‌های سفید، ارزیابی رسمی چین از محیط بین‌المللی را مشخص، و به‌طورکلی، سیاست امنیتی و اقدامات دفاعی چین را توصیف می‌کنند (Smith, 2016: 24). برای بررسی جامع مؤلفه‌های دیپلماسی نظامی چین در این بخش، دسته‌بندی آلن و هولز مبنا قرار گرفته‌اند؛ هرچند همهٔ این مؤلفه‌ها بررسی نشده است. همچنین، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارند که دارای اهمیت هستند، ولی در دسته‌بندی آلن و هولز قرار نگرفته‌اند که این مؤلفه‌ها عبارتند از: صادرات و واردات اسلحه و شرکت در برنامه‌های کنترل تسلیحات و خلع سلاح بین‌المللی.

• **گفت‌وگوهای امنیتی راهبردی:** سطح تعامل ارتش چین با نظامیان خارجی به‌گونه‌ای چشمگیر درحال رشد است و این تعاملات، فرصت‌های مناسبی را برای به‌اشتراک گذاشتن آموزه‌ها، راهبردها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌ها با ارتش‌های دیگر جهان فراهم می‌کنند (Cordesman, Hess, & Yarosh, 2013: 73). همچنین، این کشور مدت‌ها است که از گفت‌وگوها و مذاکرات امنیتی، به‌عنوان سازوکاری برای ایجاد اطمینان، بهبود اعتماد، پیشبرد امنیت متقابل از طریق همکاری، حل مسائل امنیتی متقابل، و ارتقای صلح و ثبات بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده می‌کند. با توجه به روابط نزدیک حزب و ارتش چین، این گفت‌وگوها توسط رهبران غیرنظامی مسئول امنیت ملی و همچنین، افسران نظامی رسمی انجام شده است. چین، در گفت‌وگوهای امنیتی دوجانبه و چندجانبه شرکت می‌کند. کتاب‌های سفید، فضای قابل‌توجهی را به مشارکت چین در مجامع تأثیرگذار در گفت‌وگوهای امنیتی اختصاص می‌دهند که ازجمله آن‌ها می‌توان به سازمان همکاری شانگهای (SCO)، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن (ARF)، کنفرانس

---

1. Ministry of National Defense

تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا (CICA)، شورای همکاری‌های امنیتی در آسیا و منطقه اقیانوس آرام (CSCAP)، و گفت‌وگوی همکاری شمال شرقی آسیا (NEACD) اشاره کرد (Smith, 2016: 29).

• **تبادل آموزش‌های نظامی:** مبادلات نظامی، بیشتر به برنامه‌های آموزش نظامی خارجی و پذیرش دانشجویان افسری اشاره دارد. تقریباً نیمی از ۷۰ دانشکدهٔ نظامی که در چین فعالیت می‌کنند، دانشجوی خارجی می‌پذیرند. دانشکدهٔ مطالعات دفاعی دانشگاه دفاع ملی، بالاترین سطح آموزش خارجی برای ارتش آزادی‌بخش خلق چین است که از بیش از ۱۰۰ کشور دانشجو می‌پذیرد. دانشگاه دفاع ملی، روابط خود را با نظامیان امریکای لاتین و افریقا گسترش داده است. وظیفهٔ اصلی این دانشگاه، آموزش افسران ارشد نظامی خارجی، مقامات غیرنظامی، و برخی افسران چینی است و همچنین، مسئول بده‌بستان‌های علمی بین‌المللی در حوزهٔ مسائل دفاعی و امنیتی است. درواقع، دانشگاه دفاع ملی چین، بخشی از تلاش دیپلماسی نظامی برای تقویت قدرت نرم چین در کنار توسعهٔ اقتصادی جهانی آن است (Marat, 2021: 2).

• **صادرات و واردات اسلحه:** چین، یکی از صادرکنندگان و نیز واردکنندگان بزرگ تسلیحات به‌شمار می‌آید. برپایهٔ آمار مرکز پژوهش‌های صلح استکهلم (سیپری) در سال ۲۰۲۰، این کشور در بین ۵ کشور عمدهٔ واردکننده و ۵ کشور عمدهٔ صادرکنندهٔ تسلیحات قرار داشته است (SIPRI, 2020: 12). در زمینهٔ صادرات اسلحه، چین همواره بر کمک فناورانه به کشورهای دیگر در این عرصه تمرکز داشته است. چین، در گذشته به کشورهایی چون تایلند، میانمار، پاکستان، سوریه، و سودان تسلیحات صادر می‌کرد. به‌طورکلی، صادرات سلاح، افزون‌بر مزایای اقتصادی و کاهش هزینه‌های تولید سلاح از طریق تولید انبوه، اهداف سیاسی را نیز دنبال می‌کند؛ به‌عنوان مثال، فروش اسلحه به‌طور طبیعی، سبب همکاری بین دو کشور و ایجاد نفوذ کشور فروشنده در کشور گیرنده می‌شود (Matsuda, 2006: 16 to 18). چین، به‌طور مستقیم با روسیه بر سر بازارهای اسلحه در کشورهای درحال‌توسعه به‌ویژه افریقا، جنوب و جنوب شرق آسیا، و امریکای لاتین رقابت می‌کند؛ اما نکتهٔ جالب این است که این کشور، همچنان یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات از روسیه، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، بوده است (Raska & Bitzinger, 2020: 107).

• **رزمایش نظامی:** برگزاری رزمایش با نظامیان خارجی، فرصتی را برای یادگیری مهارت‌های جدید، ارزیابی قابلیت‌های ارتش چین، گردآوری اطلاعات دربارهٔ توانایی‌ها و اهداف خارجی، شکل دادن به محیط امنیتی با نمایش قابلیت‌ها و در برخی موارد، ایجاد ظرفیت شریک‌سازی فراهم می‌کند.

رزمایش‌ها، معمولاً به‌صورت دوجانبه و چندجانبه انجام می‌شوند. هدف از برگزاری رزمایش‌های دوجانبه مانند مجموعه رزمایش‌های «شاهین» چین ـپاکستان و رزمایش‌های چندجانبه، مانند رزمایش‌های تقریباً دوسالانهٔ «مأموریت صلح»[1]، که با همکاری کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای برگزار می‌شود، ایجاد توانمندی‌های ضدتروریستی در شرکا است (Allen et al., 2017: 13). به‌گفتهٔ دنیس بلاسکو، وابستهٔ نظامی پیشین امریکا در چین و هنگ‌کنگ، بیشتر رزمایش‌های ترکیبی ارتش چین با روسیه و کشورهای دیگر عضو سازمان همکاری‌های شانگهای، بر اهداف ضدتروریستی متمرکز شده‌اند. با توجه به ناآرامی‌های موجود در استان سین‌کیانگ[2] و آشفتگی در میان بسیاری از ساکنان اویغور[3] و همچنین، در بسیاری از کشورهای همسایهٔ مسلمان چین در آسیای میانه (ازجمله افغانستان)، این کشور باید به مسائل امنیت مرزی، ازجمله تروریسم، توجه داشته باشد. بلاسکو، همچنین یادآوری می‌کند که حضور ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر در کشورهای آسیای میانه، احتمالاً چین را بر آن داشته است که با همسایگان خود در این منطقه بیشتر تعامل کند و به‌این‌ترتیب، مانع کاهش نفوذ خود در این منطقه شود (Smith, 2016: 82-83). در کنار تمرین‌های ضدتروریستی، برخی از رزمایش‌ها نیز در حوزهٔ فعالیت‌های امداد و نجات انجام شده است.

پیچیده‌ترین رزمایش‌های دوجانبهٔ نیروی دریایی چین، مجموعه رزمایش‌های همکاری دریایی با نیروی دریایی روسیه است که فعالیت‌های رزمی را دربر می‌گیرد. در رزمایش سال ۲۰۱۲ در نزدیکی چینگدائو[4] فعالیت‌هایی مانند پدافند هوایی ترکیبی، جنگ ترکیبی ضدزیردریایی، نجات کشتی ربوده‌شده و همچنین، تمرین‌های تیراندازی به‌منظور آزمون تجهیزات و تسلیحات انجام شد. از رزمایش‌های دریایی ترکیبی چین و روسیه به‌گونه‌ای فزاینده برای شکل دادن به محیط امنیتی بین‌المللی استفاده می‌شود (Allen et al., 2017: 25-26). چین و روسیه، برای نشان دادن همکاری‌های راهبردی خود و تقویت تلاش‌های دیپلماتیک یکدیگر از رزمایش‌های دریایی ترکیبی در مناطق حساسی مانند دریای چین شرقی، دریای مدیترانه، و دریای چین جنوبی استفاده کرده‌اند (Allen et al., 2017: 29-30). همچنین، در سال ۲۰۱۹، چین به‌همراه روسیه و ایران، رزمایش نظامی «کمربند امنیتی دریایی» را در آب‌های عمان برگزار کرد. با

---

۱. Peace Mission
۲. Xinjiang
۳. Uygur
۴. Qingdao

توجه به افزایش حضور نظامی بین‌المللی چین و پیگیری حفاظت از منافع فرامنطقه‌ای، درصورت برگزاری رزمایش‌های مشابه بعدی در آینده، حضور این کشور در این منطقه، امری محتمل به‌نظر می‌رسد.

• **عملیات صلح سازمان ملل متحد (UNPKO):** چین، به عملیات حفظ صلح در چارچوب تقویت نقش سازمان ملل و ترویج چندجانبه‌گرایی، نگاه ویژه و همچنین، در آن مشارکت فعالانه‌ای داشته است. سازمان دفاع ملی چین در سال ۲۰۰۰ اعلام کرد: «چین، به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، متعهد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است؛ به سازمان ملل اهمیت زیادی می‌دهد و از این سازمان، در راستای ایفای نقش خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در قالب اهداف و اصول منشور سازمان ملل، حمایت می‌کند» (Smith, 2016: 42). چین، برای نخستین‌بار در سال ۱۹۸۹ در عملیات حفظ صلح سازمان ملل شرکت کرد. در این عملیات، ۲۰ تن از نیروهای نظامی ارتش چین برای کمک به نظارت بر انتخابات نامیبیا در گروه کمک به انتقال[1](UNTAG) شرکت کردند. از میانهٔ دههٔ ۱۹۹۰، مشارکت چین در فعالیت‌های صلح سازمان ملل، به‌گونه‌ای پیوسته افزایش یافته و متنوع شده است (Gill & chin-hao, 2009: 2). تا اواخر سپتامبر ۲۰۱۴، چین بیش از ۲۷ هزار نیروی نظامی را در سراسر جهان برای ۲۳ مأموریت حفظ صلح سازمان ملل مستقر کرده بود. چین، بزرگ‌ترین تأمین‌کنندهٔ نیروی نظامی و پلیس در میان ۵ عضو دائم شورای امنیت است و بیشترین تعداد مهندسان، حمل‌ونقل، پشتیبانی پزشکی، و نیروهای حافظ امنیت را اعزام می‌کند؛ برای نمونه، می‌توان از مشارکت چین در مأموریت ثبات‌سازی سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو، عملیات ترکیبی اتحادیه افریقا/ سازمان ملل در دارفور، و به‌طورکلی مأموریت‌هایی در لیبریا، مالی، لبنان، و سودان جنوبی نام برد. چین، با پول‌ها و نیروهایی که برای عملیات حفظ صلح خرج می‌کند، وجههٔ فراوانی به‌دست می‌آورد که با الگوی ترجیحی این کشور درباره مرکزیت سازمان ملل برای حکومت‌داری جهانی هماهنگ است و از این ادعایش که یک ارتش قوی‌تر، نیرویی برای حفظ صلح است، پشتیبانی می‌کند (Allen et al., 2017: 40, 42).

• **عملیات ضددزدی‌دریایی:** چین، در تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۰۸، نخستین نیروهای وظیفهٔ اسکورت (ETF) ضددزدی‌دریایی خود، متشکل از سه کشتی نیروی دریایی ارتش، را برای انجام عملیات ضددزدی دریایی به خلیج عدن اعزام کرد. از سال ۲۰۰۸ تا پایان سال ۲۰۱۲ نیز ۱۳ مجموعهٔ وظیفهٔ اسکورت، به‌گونه‌ای جداگانه، متشکل از سه کشتی، به اسکورت دریایی و مأموریت‌های ضددزدی‌دریایی نزدیک

---

۱. UN Transition Assistance Group

سواحل سومالی کمک کردند. آن‌ها عهده‌دار حفظ امنیت کشتی‌ها و کارکنان چینی درحال‌عبور از میان آب‌های خلیج عدن و سومالی، و امنیت کشتی‌های ارائه‌دهندۀ کمک‌های بشردوستانه برای برنامۀ جهانی غذا و سازمان‌های بین‌المللی دیگر بوده‌اند و تاحدامکان از کشتی‌های درحال‌گذر خارجی مراقبت می‌کنند (Smith, 2016: 54-55). در سال ۲۰۱۹، چین، نیروهای وظیفۀ اسکورت سی‌ویکم، سی‌ودوم، و سی‌وسوم خود را در ادامۀ انجام عملیات ضددزدی‌دریایی در خلیج عدن مستقر کرد. گروه سی‌ودوم، ۴۱ کشتی چینی و خارجی را اسکورت کرد و در تبادل نظامی چین‌ـفرانسه و جشن‌های روز نیروی دریایی روسیه نیز شرکت داشت (Office of the Secretary of Deffence United States of America, 2020: 125).

• **کمک‌های بشردوستانه و عملیات امدادرسانی هنگام بروز فاجعه:** در دهه‌ها و سال‌های اخیر، وقوع فجایع طبیعی و انسانی، افزایش بیشتری یافته است و درعین‌حال، بازیگران پرشماری، اعم از دولتی و غیردولتی، مشغول ارائۀ کمک‌های بشردوستانه هستند. دراین‌میان، نیروهای مسلح در سراسر جهان با دور شدن از فضای جنگ‌های سنتی، تمایل خود را به انجام وظایف مرتبط با امور بشردوستانه و توسعه‌ای نشان داده‌اند. ازجمله عوامل دخیل در این گرایش می‌توان به بازبینی فضای پس از جنگ سرد، حرفه‌ای‌سازی نیروهای مسلح، و جست‌وجوی نقش‌های جدید و خوب برای آن، مانند شرکت در امور بشردوستانه، اشاره کرد (Wiharta, Ahmad, Haine, Löfgren, & Randall, 2008: 9). انجام عملیات بشردوستانه/ امدادونجات، جدیدترین فعالیت دیپلماسی نظامی چین به‌شمار می‌آید که مولود نقش دیرینۀ ارتش این کشور در پاسخ به بلایای طبیعی داخلی است. این عملیات، طیفی از اقدامات، ازجمله تحویل وسایل کمکی و نیروهای امدادرسان پس از بلایای طبیعی، عملیات جست‌وجو و نجات، شرکت در تمرین‌های ترکیبی با کارکنان بخش پزشکی نظامی محلی، و ویزیت‌های پزشکی خیرخواهانه (معالجۀ مردم کم‌برخوردار کشورهای میزبان توسط گروه‌های پزشکی ارتش چین) را دربر می‌گیرد. در کتاب سفید دفاعی چین ۱۹۹۸ آمده است: به‌دلیل قلمرو گستردۀ چین و بلایای طبیعی پیاپی، نیروهای مسلح همیشه در صدر تلاش‌ها برای حفظ جان مردم، نجات کشور و اموال مردم قرار دارند (Smith, 2016: 58). ازجمله فعالیت‌های بین‌المللی چین دراین‌زمینه، انجام مأموریت کشتی بیمارستانی پیس‌آرک[1] است. چین، برای ارائۀ مراقبت‌های پزشکی و انجام پورت‌کال با کشورهای گوناگون، کشتی بیمارستانی پیس‌آرک را به تعدادی سفرهای خارجی اعزام کرده است. این کشتی در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ به

---

1. Peace Ark

چندین مأموریت، ازجمله مأموریت‌های بشردوستانه/ امدادونجات مأموریت هارمونیوس/مأموریت صلح[۱] و همچنین، سفرهای دیگر فرستاده شده است (Allen et al., 2017: 42). همچنین، از حوزه‌های جدید در زمینهٔ اعمال بشردوستانه، همکاری نیروهای نظامی چین در پاسخ به شیوع جهانی ویروس کرونا است که نشان‌دهندهٔ نقش فزایندهٔ ارتش در فعالیت‌های دیپلماتیک چین است. داده‌های موجود نشان می‌دهند، دیپلماسی نظامی مربوط به کووید۱۹ در مارس ۲۰۲۰، با فرستادن لباس و تجهیزات حفاظتی توسط ارتش چین به ایران آغاز شد. در فوریهٔ ۲۰۲۱ نیز ارتش چین، اهدای واکسن به ارتش‌های خارجی را آغاز کرد (Nouwens, 2021: 4). این‌گونه اقدامات، در راستای بهبود تصویر چین ــ‌به‌ویژه پس از تأثیرپذیری منفی آن از پیدایش و شیوع ویروس کرونا‌ــ نزد کشورهای دیگر بوده است.

با توجه به ماهیت بی‌ضرر و قابل‌ستایش عملیات بشردوستانه، می‌توان انگیزه‌های پرشماری را برای مشارکت روزافزون چین در این‌گونه فعالیت‌ها جست‌وجو کرد. نخست اینکه، پکن از آن برای ایجاد تصویر مثبت از چین به‌عنوان ذی‌نفعی مسئول در نظام بین‌المللی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه، چین این عملیات را ابزاری برای آزمایش و افزایش مهارت عملیاتی و توانایی فعالیت در خارج از کشور به‌شمار می‌آورد؛ و سرانجام اینکه، ارتش این کشور از انجام این‌گونه مبادلات و رزمایش‌ها با نظامیان خارجی، برای کمک به دستیابی پکن به اهداف گسترده‌تر دیپلماتیک و امنیت ملی بهره می‌برد (Southerland, 2019: 3).

٦. دیپلماسی نظامی در خدمت اهداف سیاست خارجی چین

چین از دیپلماسی نظامی برای تقویت منافع بلندمدت سیاسی‌ـاقتصادی خود بهره می‌گیرد. با توجه به اتخاذ راهبرد کلان صلح‌آمیز، که این کشور همواره بر آن تأکید داشته است، و همچنین، پرهیز از تنش و تقابل مستقیم با قدرت‌های بزرگ و همسایگان، دیپلماسی نظامی، راهبردی منطقی و مناسب در حوزهٔ نظامی به‌شمار می‌آید. مارک لانتین (۲۰۱۸) در پژوهشی دربارهٔ نقش عملیات صلح سازمان ملل در گسترش منافع راهبردی چین، دلایل گوناگونی را برای مشارکت ادامه‌دار این کشور در این فعالیت‌ها عنوان می‌کند که از آن‌جمله می‌توان به پیشبرد دیپلماسی چین در مناطق درحال‌توسعه و کم‌رنگ کردن مسئلهٔ «تهدید چین»، که ناشی از رشد بودجهٔ نظامی این کشور و نگرانی در مورد نقاط پرتنشی همچون

---

۱. Harmonious Mission/Peace Mission

دریای چین جنوبی و تایوان است، اشاره کرد (ن.ک به: Lanteigne, 2018: 5). بررسی‌های انجام‌شده دربارهٔ فعالیت‌های نظامی چین، سبب استخراج شاخص‌های مهمی دربارهٔ تأثیر دیپلماسی نظامی بر سیاست خارجی این کشور و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی آن شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره کرده‌ایم.

• **شکل دادن به محیط امنیتی:** یکی از مهم‌ترین نتایج استفاده از دیپلماسی نظامی، شکل دادن به محیط امنیتی است. به‌طورکلی، شکل دادن به محیط باید در راستای تأمین منافع خارجی باشد. در کتاب سفید دفاعی ۲۰۱۵ نیز آمده است که ارتش چین باید «روابط بین نظامیان را توسعه دهد... و یک محیط امنیتی مطلوب را برای توسعهٔ مسالمت‌آمیز چین ایجاد کند» (Allen et al., 2017: 10). دراین‌میان، یکی از مهم‌ترین نقاط عطف اقدامات چین، نزدیک شدن این کشور به روسیه و ایجاد سازمان همکاری‌های شانگهای بود که در آن، تلاش دو قدرت چین و روسیه برای ایجاد یک سازوکار سیاسی و امنیتی بدون حضور امریکا کاملاً مشهود است. این پیمان در ژوئن ۲۰۰۱ و با هدف سرکوب تروریسم، جدایی‌طلبی، و افراط‌گرایی بین روسیه، چین، و کشورهای دیگر عضو آن به‌امضا رسید (Matsuda, 2006: 27). تلاش‌های چین برای ایجاد فضای مناسبی جهت توسعهٔ اقتصادی و سیاسی در دو حوزه پیگیری می‌شود؛ حوزهٔ نخست، همسایگان و کشورهای پیرامونی و حوزهٔ دوم، مناطق دوردست و فرامنطقه‌ای را دربر می‌گیرد؛ برای مثال، در چارچوب حسن همجواری و همسایگی خوب، چین، تلاش‌های پیوسته‌ای را در راستای تقویت دیپلماسی نظامی با کشورهای همسایه انجام داده و کمک‌های چشمگیری را به‌منظور ایجاد یک محیط صلح‌آمیز و باثبات برای این کشور انجام داده است. این کشور از سال ۱۹۹۴ با کشورهای همسایه‌اش، ازجمله روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، و هند، به‌منظور افزایش اعتماد متقابل و حفظ امنیت مرزی، معاهدات پرشماری را امضا کرده است که ازاین‌لحاظ در حفظ ثبات بین چین و این کشورها و ترویج ثبات و رفاه در هر کشور، دارای اهمیت بسیاری است (BBC Monitoring Asia Pacific, 1999: 3).

حوزهٔ دیگر فعالیت‌های دیپلماسی نظامی، به همکاری چین با کشورهای پیشرفته مربوط می‌شود؛ کشورهایی که از چین دور هستند و موضوع‌های امنیتی جدی‌ای با آن ندارند؛ بنابراین، چین می‌تواند همکاری‌های راهبردی‌ای با آن‌ها داشته باشد، ولی درصورت بروز دشمنی با آن‌ها ممکن است خسارت بزرگی به این کشور وارد شود. فرانسه، آلمان و انگلستان و [به‌طورکلی اتحادیه اروپا] ازجمله این کشورها هستند. چین از دیپلماسی نظامی برای ایجاد تماس‌های فعال نظامی با کشورهای پیشرفته استفاده می‌کند تا یک محیط بین‌المللی سودمند برای خود ایجاد کند (Matsuda, 2006: 29). پنهان‌سازی یا آشکارسازی

توانایی‌های نظامی نیز روش‌هایی برای شکل‌دهی به محیط هستند که آلن و همکاران به آن اشاره کرده‌اند. به‌نظر آن‌ها، تلاش برای شکل دادن به محیط امنیتی می‌تواند دربردارندهٔ پنهان کردن یا کم‌اهمیت‌جلوه‌دادن توانایی‌های خاص نظامی، برجسته کردن کمک‌هایی که یک ارتش قوی‌تر می‌تواند برای امنیت منطقه‌ای و جهانی انجام دهد، و نمایش توانایی‌ها به‌منظور بازداشتن یا ترساندن دشمنان بالقوه باشد؛ بااین‌حال، از سال ۲۰۱۰، تلاش‌ها بیشتر در راستای نمایش قابلیت‌ها بوده تا پنهان‌سازی آن‌ها (Allen et al., 2017: 1-2)، که می‌تواند حاکی از تغییر رویکرد چین به ایفای نقش‌های جدی‌تر و مشهودتر در عرصهٔ بین‌الملل باشد. افزایش موضع‌گیری‌های آشکار در برابر امریکا در برخی مسائل داخلی (تایوان)، منطقه‌ای (دریای چین جنوبی)، و بین‌المللی (برجام) را می‌توان همگام با این تغییر رویکرد تعبیر کرد.

• **حفاظت از اقتصاد روبه‌رشد:** حفاظت از گسترش تجارت و مسیرهای مربوط به آن، یکی از پررنگ‌ترین وظایف نیروی نظامی چین است که از طریق به‌کارگیری دیپلماسی نظامی انجام می‌شود. استقرار گشت‌های دریایی در مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی و افزایش تعامل نظامی با کشورهایی که در نقشهٔ راه احیای جادهٔ ابریشم هستند، گواه محکمی بر این مدعاست. برپایهٔ بررسی الگوهای تعامل چین در پژوهش اسمیت، این کشور با دو طیف مشخص از کشورها در زمینهٔ دیپلماسی نظامی بیشتر مشارکت می‌کند؛ نخست، با شرکای عمدهٔ اقتصادی خود و دوم، کشورهایی که در مسیر تجارت و حمل‌ونقل کالا قرار دارند؛ برای مثال، پاکستان بدون داشتن اهمیت اقتصادی ویژه، به‌عنوان یک شریک تجاری، رزمایش‌های ترکیبی پرتکراری را با چین انجام می‌دهد و شریک تعاملات بشردوستانه/ امدادونجات با چین است. درواقع، ویژگی‌های ژئواکونومیک پاکستان ـ نزدیکی به تنگهٔ هرمز و تنگهٔ باب‌المندب ـ آن را به یک شریک جذاب در دیپلماسی نظامی تبدیل کرده است (Smith, 2016: 229-230).

• **افزایش حوزهٔ نفوذ:** استفاده از دیپلماسی نظامی به‌منظور احیای عظمت چین و تثبیت جایگاه آن از یک قدرت روبه‌رشد به یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار در جهان، یکی از اهداف مهم این کشور است. هدف چین از افزایش میزان همکاری و توسعهٔ صلح‌آمیز روابط در چارچوب گفت‌وگوهای امنیتی، اقتصادی، و سیاسی منطقه‌ای، افزایش میزان نفوذ این کشور در منطقهٔ شرق آسیا و حتی در سطح بالاتر، تبدیل آن به حوزهٔ نفوذ و حیات خلوتی مطمئن برای پیشبرد مقاصد و منافعِ تعریف‌شده است. چین، به‌منظور ادغام منطقه در حیاط‌خلوت راهبردی خود، در پی اعمال قدرت نرم در جنوب شرقی آسیا، به‌ویژه در دههٔ ۲۰۰۰ میلادی، بوده است. این کشور، همواره از اتحادیهٔ ملل جنوب شرقی (آسه‌آن) و محوریت آن در مدیریت امور منطقه‌ای حمایت کرده و همچنین، به‌گونه‌ای فعالانه در مجامع و نهادهای گوناگون با

محوریت آسه‌آن (ازجمله انجمن منطقه‌ای آسه‌آن (ARF)، آسه‌آن به‌علاوه سه (APT)، اجلاس سران شرق آسیا، و نشست وزیران دفاع آسه‌آن‌پلاس (ADMM Plus) شرکت کرده است. به‌طورکلی، چین به‌شدت بر به‌اصطلاح «راه آسه‌آن» تأکید می‌کند تا حسن‌نیت خود را در تعامل با منطقه، پایبندی به هنجارهای گوناگون آسه‌آن، مشارکت در همکاری‌های چندجانبه، و شفافیت بیشتر در تعاملات خود با کشورهای جنوب شرق آسیا نشان دهد. چین در این سال‌ها، در بسیاری از توافق‌های مهم دوجانبه و چندجانبه با کشورها در حوزه‌های گوناگون راهبردی و توسعه‌ای شرکت کرده است که یکی از آن‌ها، حوزهٔ امنیتی است؛ برای مثال، از اوایل دههٔ ۲۰۰۰، سیاست امنیتی حساب‌شده و ملایمی را در برابر مسئلهٔ دریای چین جنوبی درپیش گرفته است. در اکتبر ۲۰۰۲، چین و آسه‌آن، اعلامیهٔ رفتار طرفین در دریای چین جنوبی (DOC) را امضا کردند. چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا تلاش کرده‌اند همکاری‌های خود را در حوزه‌های گوناگون امنیتی غیرسنتی تقویت کنند. در سال ۲۰۰۲، چین و آسه‌آن بیانیهٔ مشترک همکاری در زمینهٔ مسائل امنیتی غیرسنتی را امضا کردند و در سال ۲۰۰۴ برای اجرای این بیانیهٔ مشترک، یادداشت تفاهم امضا کردند. پس از انقضای تفاهم‌نامه، تفاهم‌نامهٔ پنج‌سالهٔ جدیدی (ژانویه ۲۰۱۰ تا دسامبر ۲۰۱۴) در نوامبر ۲۰۰۹ در سیم‌ریپ[۱] به‌امضا رسید. افزون‌براین، در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۱، یک برنامهٔ اقدام برای انعقاد تفاهم‌نامهٔ آسه‌آن-چین در زمینهٔ همکاری‌های امنیتی غیرسنتی در دومین نشست وزیران آسه‌آن -چین به‌منظور مبارزه با جرائم فراملی (AMMTC+China) در بالی اندونزی تصویب شد (Mingjiang Li, 2015: 363-364). این مسیر همکاری، در سال‌های اخیر بدون‌توقف و با ارائهٔ برنامه‌های اقدام ادامه یافته است. با هدف اجرای بیانیهٔ مشترک «مشارکت راهبردی چین-آسه‌آن برای صلح و رفاه» که در سال ۲۰۰۳ در بالی اندونزی به‌امضا رسیده بود، یک برنامهٔ اقدام برای دوره‌ای پنج‌ساله (۲۰۲۰-۲۰۱۶)، ارائه شد. برنامهٔ اقدام دورهٔ ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ نیز در راستای اجرای موفقیت‌آمیز برنامهٔ پیشین، اجرای بیانیهٔ مالزی ۲۰۰۳، و همچنین، نتایج بیست‌وچهارمین اجلاس چین-آسه‌آن برای گرامیداشت سی‌اُمین سالگرد گفت‌وگوهای چین-آسه‌آن تصویب شد. در این برنامه‌ها، عرصه‌های گوناگونی برای همکاری، ازجمله اقدام طرف‌ها در دریای چین جنوبی، امنیت غیرسنتی، و همکاری دفاعی و تبادلات نظامی درنظر گرفته شده است؛ برای مثال، در برنامهٔ ۲۰۲۰-۲۰۱۶ بر تقویت همکاری‌های نظامی در زمینه‌های امنیت دریایی، امدادونجات، حفظ صلح، و مبارزه با تروریسم و همچنین، آموزش و تبادل نظامی تأکید شده است (ن.ک به: Plan of

---

۱. Siem Reap

Action 2016-2020 & Plan of Action 2021-2025.

• **ایجاد تصویر مثبت:** مسئلۀ بعدی این است که ارتش چین از دیپلماسی نظامی به‌عنوان ابزاری برای بهبود چهرۀ بین‌المللی چین و بهبود وضعیت آن در میان ملت‌های مختلف استفاده می‌کند. اصولاً افزایش قابلیت‌های نظامی، به‌ویژه برای قدرت‌های روبه‌رشدی همچون چین، همواره با چالش‌هایی همراه است. این چالش‌ها معمولاً در برابر همسایگان و نیز قدرت‌های بزرگی که با نگرانی به ظهور یک رقیب قدرتمند می‌نگرند، بروز می‌کند؛ بنابراین، ارزش اقداماتی که در متن دیپلماسی نظامی تعریف می‌شوند، بیش‌ازپیش مشخص می‌شود. درواقع، هنر دیپلماسی نظامی، این است که افزون‌بر رفع چالش‌ها، بتواند سبب ارتقای سرمایه‌های سیاسی، اقتصادی، و امنیتی شود و در گام بعدی، تصویر مثبت و مفیدی از خود، هم به مخاطبان داخلی و هم در خارج از مرزها، ارائه دهد؛ درحالی‌که مخاطبان داخلی تاحدودی به ارزیابی توانایی چین در نمایش دستاوردها [و افتخارات] پیوستۀ آن در عرصۀ بین‌المللی می‌پردازند، مخاطبان بین‌المللی، ازجمله همسایگان و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نیز پیگیر نیت‌های چین در زمینۀ مسائل راهبردی هستند و میزان تعارض یا همسویی آن را با منافع خود می‌سنجند. پکن، برای برآورده کردن انتظارات بعضاً متضاد هردو مخاطب، از فعالیت‌های دیپلماسی نظامی ارتش چین استفاده می‌کند. انجام رزمایش‌های پیاپی ترکیبی با شرکای جدید در مناطق جدیدی از جهان، به‌همراه تصاویر سربازان چینی که درحال انجام اقدامات بین‌المللی بشردوستانه و امدادونجات هستند، هریک، تکه‌هایی از تصاویر معتبری است که هردو طیف مخاطبان داخلی و بین‌المللی دنبال می‌کنند. به‌این‌ترتیب، افزون‌بر اینکه این تصویر را برای مخاطبان داخلی ارسال می‌کند که یک همتای پذیرفته‌شده برای قدرت‌های بزرگ دیگر است، برای مخاطبان بین‌المللی نیز تصویری از خود به‌عنوان طرفدار نظام بین‌المللی فعلی و همراه در رویارویی با تهدیدهای مشترک نشان می‌دهد (Smith, 2016: 240 & 241).

• **گسترش جغرافیای عملیاتی:** یکی از پیامدهای مهم دیپلماسی نظامی، افزایش دامنۀ فعالیت‌های عملیاتی کشورها است؛ برای مثال، تأسیس پایگاه‌های نظامی، انجام رزمایش‌های نظامی در کشور میزبان، شرکت در عملیات صلح و امدادونجات، یا فرستادن متخصصان و مشاوران نظامی، افزون‌بر اینکه دست ارتش‌ها را برای انجام عملیات بیشتر باز می‌کند، زمینۀ حضور کشورها در جغرافیای گسترده‌ای از جهان را نیز فراهم می‌آورد. درنتیجه، با رشد دیپلماسی نظامی از سوی چین در سال‌های اخیر، جغرافیای عملیاتی این کشور به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است. سهم چین در حفظ صلح سازمان بین‌الملل در ده سال گذشته، افزایش چشمگیری داشته است. در سال ۲۰۱۸، سهم این کشور از بودجۀ صلح سازمان ملل، بیش

از ۱۰ درصد بود و پیش‌تر اشاره شد که در میان پنج عضو دائمی شورای امنیت، بزرگ‌ترین کمک‌کننده به نیروهای حافظ صلح است. افزون‌بر استفاده از ظرفیت‌های عملیات صلح، حضور نظامی این کشور در سال‌های اخیر در قارۀ افریقا نیز افزایش یافته است. این کشور در سال ۲۰۱۷، نخستین پایگاه دریایی خارجی خود را در جیبوتی ایجاد کرد و در سال ۲۰۱۸ نیز در چندین کشور افریقایی، تمرین‌های نظامی برگزار نمود (Moynihan & Muller, 2019).

نتیجه‌گیری

تجزیه‌وتحلیل فعالیت‌های نظامی جمهوری خلق چین، حاکی از این است که مجموعه اقدامات اتخاذشده هماهنگ با راهبرد کلان چین، یعنی «گام نهادن در مسیر توسعۀ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» است. چین به‌منظور دنبال کردن این راهبرد مهم در تلاش بوده است تا افزایش تعاملات و همکاری با قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و نیز کشورهای منطقۀ جنوب شرق آسیا را در دستورکار خود قرار دهد. این کشور در سال‌های اخیر، رشد اقتصادی چشمگیری را تجربه کرده است؛ به‌گونه‌ای که هم‌اکنون در جایگاه دوم برترین اقتصادهای دنیا قرار دارد. همچنین، برای حفظ و توسعۀ این جایگاه، مبادرت به ارائۀ طرح «یک کمربند، یک جاده» کرده و بر احیای مسیرهای قدیمی و ایجاد راه‌های جدید زمینی، دریایی، و هوایی ابریشم کاملاً مصمم است؛ ازهمین‌روست که این کشور به سرمایه‌گذاری‌های کلان در راستای افزایش بودجۀ نظامی، آموزش نیروها، و از همه مهم‌تر، مدرن‌سازی ارتش روی آورده است؛ اقداماتی که نگرانی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نیز برانگیخته است. راهکار این کشور برای کاهش نگرانی‌ها، رفع اختلاف‌های منطقه‌ای و افزایش فعالیت‌های نظامی بین‌المللی، به‌کارگیری دیپلماسی نظامی است تا در عین توسعۀ قدرت نظامی خود، تاحدامکان از میزان حساسیت‌ها کم کند. درواقع، دیپلماسی نظامی، ازیک‌سو، اهداف نظامی چین را به شیوه‌ای صلح‌آمیز و در راستای کاهش تنش‌ها، افزایش همکاری‌ها، و مشارکت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محقق کرده است و ازسوی‌دیگر، درصدد کاهش پیوندها و اتحادهای دوجانبه و چندجانبۀ نظامی میان ایالات متحده و همسایگان چین است. چین در عملیات صلح سازمان ملل، امدادونجات در هنگام وقوع حوادث طبیعی و انسانی، و عملیات ضدتروریستی، به‌ویژه دزدی دریایی، مشارکت چشمگیری داشته است؛ زیرا افزون‌بر حفاظت از منافع و تأمین امنیت، به‌لحاظ ارائۀ تصویری مثبت، مسئولیت‌پذیر، و طرفدار صلح از چین بین افکار عمومی جهان و دولت‌ها، بسیار مفید و مهم است.

References

Allen, Kenneth; Saunders, Phillip C., & Chen, John (2017). *Chinese Mlitary Diplomacy, 2003–2016: Trends and Implications*. Center for the Study of Chinese Military Affairs Institute for National Strategic Studies, China Strategic Perspectives, No. 11, National Defense University Press Washington, D.C., July.

Armitage, Richard L., & Nye, Jr., Joseph s. (2007). *A smarter, More Secure America*, CSIS (Center for Strategic & International Studies): Washington, D.C.

BBC Monitoring Asia Pacific-Political (1999). China: Defence Minister Chi Haotian on Army, Diplomatic Achievements, September 27, London [London]: United Kingdom, Available at: *ProQuest Central*. Retrieved from: https://search.proquest.com/docview/449810452?accountid=26226.

Cordesman, Anthony H.; Hess, Ashley, & Yarosh, Nicholas S. (2013). *Chinese Military Modernization and Force Development: a Western Perspective*. Center for Strategic & International Studies (CSIS).

Cordesman, Anthony H. (2019). *China's New 2019 Defense White Paper: An Open Strategic Challenge to the United States, but One which does not have to Lead to Conflict,* Center for Ctrategic & International Studies (CSIS).

China's Military Strategy (2015). The State Council Information Office of the People's Republic of China, available at: https://jamestown.org/wp-content/uploads/2016/07/China%E2%80%99s-Military-Strategy-2015.pdf.

China's National Defense in the New Era (2019). *The State Council Information Office of the People's Republic of China*, First Edition, and Published by Foreign Languages Press: Beijing: China. available at: http://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/201907/24/content_WS5d3941ddc6d08408f502283d.html.

Defence Intelligence Agency (2019). *China Military Power: Modernization a Force to Fight and Win*. United States of America.

Gibson, Leslie (2018). *Public Diplomacy by Other Means: A Constructivist Wiew of U.S. Military Message in Polish News Outlets*, (MA Thesis), University of Tartu, Faculty of Social Sciences Johan Skytte Institute of Political Studies.

Ghorbani Sheikhneshin, Arsalan; Karami, Kamran, & Abbaszadeh, Hadi (2011). Smart Power; The New Evolution of Power in the Age of Globalization. *Foreign Relations*, 3(4), 125-150. (in Persian)

Gill, Bates & Chin-hao Huang (2009), *China's Expanding Peacekeeping Role: Its Significance and the Policy Implication*. SIPRI Policy Brief. Stockholm International Research Institute.

Global Firepower (2021). *Military Strength Ranking*. Available at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.asp>

Jost, Tyler, & Strange, Austin M. (2017). *Delegate and Conquer: Civilian and*

Military Diplomacy in Contemporary China.

Karadag, Haluk (2017). Forcing the Common Good: The Significance of Public Diplomacy in Military Affairs. *Armed Forces & Society*, *43*(1), 72-91.

Krasnyak, Olga, (2019). *Review of (Russia's Public Diplomacy: Evolution and Practice*. Edited by Anna Velikaya and Greg Simons. Palgrave Macmillan. 2020. International Relations. October 22. Available at: https://www.e-ir.info/2019/10/22/review-russias-public-diplomacy-evolution-and-practice.

Lanteigne, Marc (2018). *The Role of UN Peacekeeping in China's Expanding Strategic Interests*, Special Report 430. United States institue of peace.

Marat, Erica (2021). *China's Expanding Military Education Diplomacy in Central Asia*. Ponars Eurasia. Institute for European. Russian and Eurasian Studies (IERES) at the George Washington University's Elliott School of International Affairs.

Matsuda, Yasuhiro (2006). An Essay on China's Military Diplomacy: Examination of Intentions in Foreign Strategy. *NIDS Security Repors*, (7), 1-40, Originally Published in Japanese in Boei Kenkyusho Kiyo (*NIDS Security Studies*), *8*(3), 21-37.

Mingjiang, Li (2015). The People's Liberation Army and China's Smart Power Quandary in Southeast Asia. *Journal of Strategic Studies*, *38*(3), 359-382.

Moynihan, Harriet & Wim Muller (18/2/2019). China's Growing Military Presence abroad Brings New Challenges. Chatham House. Available at: https://www.chathamhouse.org/2019/02/chinas-growing-military-presence-abroad-brings-new-challenges?gclid=Cj0KCQjwh_eFBhDZARIsALHjIKcPmTWOWvH56RxRrpoQxRJSiYDxAkH-maF0ZZ_JmP79i-xo1vZYyo8aAqJvEALw_wcB.

Nouwens, Meia (2021). *The Evolving Nature of China's Military Diplomacy: From Visits to Vaccines*. The International Institute for Strategic Studies (IISS).

Office of the Secretary of Deffence United States of America (2020). Annual Report to Congress: Military and Security Developments Involving the People's Republic of China.

Pallaver, Matteo (2011). *Power and Its Forms: Hard, Soft, Smart.* Thesis for the Degree of Master of Philosophy (A Thesis Submitted to the Department of International Relations of the London School of Economics for Degree of Master of Philosophy). London: The London School of Economics and Political Science.

Plan of Action to Implement the Joint Declaration on ASEAN-China Strategic Partnership for Peace and Prosperity (2016-2020). Available at: https://www.asean.org/storage/images/2015/November/27th-summit/ASEAN-China%20POA%20%202016-2020.pdf.

Plan of Action to Implement the ASEAN-China Strategic Partnership for Peace

and Prosperity (2021–2025). Available at: https://asean.org/storage/2012/05/ASEAN-China-POA-2021-2025.pdf.

Podberozkin, Alexey Ivanovich (2016). Military Power and Politics of New Public Diplomacy. *Scientific and Analytical Journal Observer*, *12*(323), 15-25. (in Russia)

Raska, Michael & Bitzinger, Richard A. (2020). Strategic Contours of China's Arms Transfers. *Strategic Studies Quarterly- Perspective*, 91-116.

SIPRI YEARBOOK (2019). *Armaments, Disarmament and International Security (Summery)*. Stockholm International Peace Research Institute.

SIPRI YEARBOOK (2020). *Armaments, Disarmament and International Security (Summery)*. Stockholm International Research Institute.

Smith, Steven J. (2017). *Winning Friends and Influencing People with Guns: Understanding the Growth of China's Military Diplomacy*. A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy. University of Washington. ProQuest Number: 10138530.

Southerland, Matthew (2019). *The Chinese Military's Role in Overseas Humanitarian Assistance and Disaster Relief: Contributions and Concerns*. U.S.-China Economic and Security Review Commission.

Wiharta, Sharon; Ahmad, Hassan; Haine, Jean-Yves; Löfgren, Josefina & Randall, Tim (2008). *The Effectiveness of Foreign Military Assets in Natural Disaster response*. A Report by the Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI): Sweden.

Wilson III, Ernest J. (2008). Hard Power, Soft Power, Smart Power. The Anuals of the American Academy of Political and Social Science. Published by: *SAGE*, 110-124.